



تبیین سناریوی جنگ داخلی و تقویت گفتمان ملی می‌تواند به تضعیف جریان‌های تروریستی و ویرانی طلبان منتهی شود

فرمول مقابله با تروریسم

چشم‌انداز ترسیم می‌کنند، محدود به چهره‌های سیاسی نمی‌شود و باید بازگشت حاشیه‌نشینانی که در دوره ضدانقلاب مشروعیت‌بخشی گنجاندن به این تروریسم با گنجاندن آنها در جایگاه قربانی و دادگر بود؛ آنچنان که در هفته‌های گذشته استان‌های غربی کشورمان شاهد به میدان آمدن تروریست‌های مسلحی است که از سوی چهره‌های مرجع اغتشاشگران به عنوان قهرمان بازنمایی می‌شوند. حوادثی همچون حملات تروریستی اصفهان و مشهد، بی‌هیچ شک و شبهه‌ای نشان‌دهنده ورود به فاز تروریستی و مسلحانه در سطح

خط بعدی رسانه‌های ضدانقلاب مشروعیت‌بخشی گنجاندن آنها در جایگاه قربانی و دادگر بود؛ آنچنان که در هفته‌های گذشته استان‌های غربی کشورمان شاهد به میدان آمدن تروریست‌های مسلحی است که از سوی چهره‌های مرجع اغتشاشگران به عنوان قهرمان بازنمایی می‌شوند. حوادثی همچون حملات تروریستی اصفهان و مشهد، بی‌هیچ شک و شبهه‌ای نشان‌دهنده ورود به فاز تروریستی و مسلحانه در سطح

از برگ تروریسم برای رساندن کشور به جنگ داخلی رونمایی کرد؛ سیری که مشابه آن را در ابتدای انقلاب سازمان منافقین طی کرده بود و از خرداد ۶۰ با تعریف خود به عنوان نیرویی برانداز وارد فاز مسلحانه و ترورهای هدفمند و کور شده بود. ترورهای کور در کنار نامن کردن فضا برای اشخاص و اصنافی که با حرکت‌هایی همچون اعتصاب‌های تحمیلی و... همراهی نکرده‌اند، هدفی جز تکثیر ناامنی و ترویج خشونت ندارد.

حوادث آبان ۹۸ نزدیک‌ترین زمان و در عین حال مهم‌ترین مناسبتی بود که این امکان را برای ضدانقلاب فراهم می‌کرد. کمپین ضدانقلاب اما این بار به جای در میدان آمدن، برای نیامدن به حوزه عمومی تمرکز داشت. تاکید بر اعتصاب ۳ روزه و بسته نگه داشتن مغازه‌ها این امکان را می‌داد تا اگر بخشی از بدنه آشوبگران حاضر به حضور در میدان نیست، با غیبت خود چراغ اغتشاش را روشن نگه دارد. با این حال نقشه ضدانقلاب حتی در پوشش عمل غیرخشونت‌آمیز اعتصاب

هم ماهیتی خشن و خونین داشت. از حمله لفظی به اکثریت جامعه‌ای که تمایل به همراهی با این اعتصاب را نداشتند تا حضور در بازار، تهدید بازاریان و حمله به مغازه‌هایی که به اعتصاب نپیوسته بودند. شکست اعتصاب با فراخوان، آشوبگران را به این جمع‌بندی رساند تا با ایجاد فضای رعب و وحشت در بازارها و دیگر میادین و حوزه‌های عمومی یک اعتصاب اجباری را ولو به شکل محدود ایجاد کنند؛ اعتصابی که قرار بود در رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور پوشش پیدا کند و «تصویر» همراهی عمومی با اغتشاشگران را ایجاد کند. در این فضا سلبریتی‌ها و چهره‌های مرجع جریان آشوب نیز با تمام قدرت در صحنه حاضر شدند تا اگر در به میدان آوردن جمعیت انبوه ناکام مانده‌اند، با تعطیل کردن کسب و کار عمومی، جلوه‌ای از همراهی مردمی را با خود ثبت کنند.

■ **تکثیر بستر اعتراض و بی‌اعتباری خشونت**
پذیرش توأمان چند واقعیت می‌تواند به مهار نقشه تروریسم و گسترش خشونت کمک جدی کند:
۱- کسب بزرگی از جمعیت ایران که به اغتشاشات نپیوسته‌اند، جزو معترضان بالقوه هستند؛ طبقه‌ای که به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و... است. طبقه‌ای که در عین معترض بودن با جریان ویرانی طلب همراهی نکرده است. عمده تمرکز آشوبگران همراه کردن این طیف با خود یا حداقل ایجاد همدلی میان آنها با رفتارهای تروریستی است. پاشنه آشیل امنیت کشور این بخش بزرگ است.

■ **تکثیر بستر اعتراض و بی‌اعتباری خشونت**
پذیرش توأمان چند واقعیت می‌تواند به مهار نقشه تروریسم و گسترش خشونت کمک جدی کند:
۱- کسب بزرگی از جمعیت ایران که به اغتشاشات نپیوسته‌اند، جزو معترضان بالقوه هستند؛ طبقه‌ای که به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و... است. طبقه‌ای که در عین معترض بودن با جریان ویرانی طلب همراهی نکرده است. عمده تمرکز آشوبگران همراه کردن این طیف با خود یا حداقل ایجاد همدلی میان آنها با رفتارهای تروریستی است. پاشنه آشیل امنیت کشور این بخش بزرگ است.

■ **تکثیر بستر اعتراض و بی‌اعتباری خشونت**
پذیرش توأمان چند واقعیت می‌تواند به مهار نقشه تروریسم و گسترش خشونت کمک جدی کند:
۱- کسب بزرگی از جمعیت ایران که به اغتشاشات نپیوسته‌اند، جزو معترضان بالقوه هستند؛ طبقه‌ای که به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و... است. طبقه‌ای که در عین معترض بودن با جریان ویرانی طلب همراهی نکرده است. عمده تمرکز آشوبگران همراه کردن این طیف با خود یا حداقل ایجاد همدلی میان آنها با رفتارهای تروریستی است. پاشنه آشیل امنیت کشور این بخش بزرگ است.

■ **تکثیر بستر اعتراض و بی‌اعتباری خشونت**
پذیرش توأمان چند واقعیت می‌تواند به مهار نقشه تروریسم و گسترش خشونت کمک جدی کند:
۱- کسب بزرگی از جمعیت ایران که به اغتشاشات نپیوسته‌اند، جزو معترضان بالقوه هستند؛ طبقه‌ای که به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و... است. طبقه‌ای که در عین معترض بودن با جریان ویرانی طلب همراهی نکرده است. عمده تمرکز آشوبگران همراه کردن این طیف با خود یا حداقل ایجاد همدلی میان آنها با رفتارهای تروریستی است. پاشنه آشیل امنیت کشور این بخش بزرگ است.

■ **تکثیر بستر اعتراض و بی‌اعتباری خشونت**
پذیرش توأمان چند واقعیت می‌تواند به مهار نقشه تروریسم و گسترش خشونت کمک جدی کند:
۱- کسب بزرگی از جمعیت ایران که به اغتشاشات نپیوسته‌اند، جزو معترضان بالقوه هستند؛ طبقه‌ای که به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی و... است. طبقه‌ای که در عین معترض بودن با جریان ویرانی طلب همراهی نکرده است. عمده تمرکز آشوبگران همراه کردن این طیف با خود یا حداقل ایجاد همدلی میان آنها با رفتارهای تروریستی است. پاشنه آشیل امنیت کشور این بخش بزرگ است.

۲- نهادهای حاکمیتی و در رأس آنها دولت باید برای بی‌اعتبار کردن گزینه خشونت، درهای گفت‌وگو و حتی اعتراض را در بست‌های جدیدی باز کند. گفت‌وگو با اصناف و چهره‌ها و تربیون دادن به آنها می‌تواند بخش بزرگی از این طبقه معترض خاموش را از همراه شدن با موج ویرانی طلب منصرف و امیدوار به تغییرات کند.
۳- هر چه ابزارها و بستر اعتراض تکثیرتر شود، امکان یکدستی بین معترضان با ویرانی طلبان سلب می‌شود. به همین خاطر پذیرش اصل اعتراض و جهت‌بخشی به آن باعث می‌شود گستره غالبی از معترضان، خود در برابر خط آشوب ایستادگی کنند.

۲- نهادهای حاکمیتی و در رأس آنها دولت باید برای بی‌اعتبار کردن گزینه خشونت، درهای گفت‌وگو و حتی اعتراض را در بست‌های جدیدی باز کند. گفت‌وگو با اصناف و چهره‌ها و تربیون دادن به آنها می‌تواند بخش بزرگی از این طبقه معترض خاموش را از همراه شدن با موج ویرانی طلب منصرف و امیدوار به تغییرات کند.
۳- هر چه ابزارها و بستر اعتراض تکثیرتر شود، امکان یکدستی بین معترضان با ویرانی طلبان سلب می‌شود. به همین خاطر پذیرش اصل اعتراض و جهت‌بخشی به آن باعث می‌شود گستره غالبی از معترضان، خود در برابر خط آشوب ایستادگی کنند.

۲- نهادهای حاکمیتی و در رأس آنها دولت باید برای بی‌اعتبار کردن گزینه خشونت، درهای گفت‌وگو و حتی اعتراض را در بست‌های جدیدی باز کند. گفت‌وگو با اصناف و چهره‌ها و تربیون دادن به آنها می‌تواند بخش بزرگی از این طبقه معترض خاموش را از همراه شدن با موج ویرانی طلب منصرف و امیدوار به تغییرات کند.
۳- هر چه ابزارها و بستر اعتراض تکثیرتر شود، امکان یکدستی بین معترضان با ویرانی طلبان سلب می‌شود. به همین خاطر پذیرش اصل اعتراض و جهت‌بخشی به آن باعث می‌شود گستره غالبی از معترضان، خود در برابر خط آشوب ایستادگی کنند.

۲- نهادهای حاکمیتی و در رأس آنها دولت باید برای بی‌اعتبار کردن گزینه خشونت، درهای گفت‌وگو و حتی اعتراض را در بست‌های جدیدی باز کند. گفت‌وگو با اصناف و چهره‌ها و تربیون دادن به آنها می‌تواند بخش بزرگی از این طبقه معترض خاموش را از همراه شدن با موج ویرانی طلب منصرف و امیدوار به تغییرات کند.
۳- هر چه ابزارها و بستر اعتراض تکثیرتر شود، امکان یکدستی بین معترضان با ویرانی طلبان سلب می‌شود. به همین خاطر پذیرش اصل اعتراض و جهت‌بخشی به آن باعث می‌شود گستره غالبی از معترضان، خود در برابر خط آشوب ایستادگی کنند.

۲- نهادهای حاکمیتی و در رأس آنها دولت باید برای بی‌اعتبار کردن گزینه خشونت، درهای گفت‌وگو و حتی اعتراض را در بست‌های جدیدی باز کند. گفت‌وگو با اصناف و چهره‌ها و تربیون دادن به آنها می‌تواند بخش بزرگی از این طبقه معترض خاموش را از همراه شدن با موج ویرانی طلب منصرف و امیدوار به تغییرات کند.
۳- هر چه ابزارها و بستر اعتراض تکثیرتر شود، امکان یکدستی بین معترضان با ویرانی طلبان سلب می‌شود. به همین خاطر پذیرش اصل اعتراض و جهت‌بخشی به آن باعث می‌شود گستره غالبی از معترضان، خود در برابر خط آشوب ایستادگی کنند.

اعضای شبکه اراذل و اوباش مرتبط با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دار مجازات آویخته شدند

سزای جاسوس



چندین خودرو و... حاکی از امنیتی بودن مأموریت‌ها و آموزش نکات حفاظتی توسط عوامل مוסاد به عوامل اجرایی از همان ابتدای کار بوده است. آسیب به اموال عمومی و خصوصی، تهیه فیلم و عکس از منازل هدف، خرید و فروش اسلحه و آدم‌ربایی از جمله اقداماتی است که متهمان با دستورات عامل مוסاد انجام داده و در قبال آن میبایستی دریافت کردند. متهم میلاد اشرفی، سرتیم گروه دوم این باند از طریق اینستاگرام با فردی به نام آریتا آشنا شده است. بعد از مدتی آشنایی و انجام برخی کارها، آریتا میلاد اشرفی را به فردی به نام سیاوش (عامل مוסاد و همان سربوس تیم اول) معرفی می‌کند که در سوند مستقر است. سیاوش به بهانه یافتن کار مناسب برای متهم، با وی ارتباط برقرار کرده و او را سوز مناسبی برای اقدامات سربوس جاسوسی در ایران شناسایی می‌کند. سیاوش ابتدا از متهم اشرفی می‌خواهد اقداماتی نظیر شعارنویسی و آتش زدن لاستیک را انجام دهد و در ادامه برنامه‌هایی مهم‌تر را به او ابلاغ می‌کند و از وی می‌خواهد افرادی مطمئن را به گروه معرفی کند. اعضای تیم دوم نیز مانند تیم اول، دستورات عامل مוסاد را اجرا کرده و میبایستی در ازای انجام کارهای مختلف دریافت کردند. پس از دستگیری متهمان و طی روال قانونی پرونده و صدور احکام اولیه متهمان، پرونده جهت فرجام‌خواهی به دیوان عالی کشور ارجاع شد. پرونده در شعبه نهم دیوان عالی کشور بررسی و در نهایت رای نهایی برای ۷ نفر از متهمان صادر شد. بر اساس رای نهایی صادره از سوی دیوان عالی کشور، متهمان ردیف اول تا چهارم پرونده به نام‌های حسین اردوخان‌زاده، شاهین ایمانی محمودآباد، میلاد اشرفی آبتاتان و منوچهر شهیندی بجندی به جرم همکاری اطلاعاتی با رژیم صهیونیستی و آدم‌ربایی به اعدام محکوم شدند. ۳ متهم دیگر، بر اساس جرماتی از جمله ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، معاونت در آدم‌ربایی و نگهداری سلاح به ۵ تا ۱۰ سال حبس محکوم شدند. بر همین اساس صبح دیروز احکام اعدام ۴ نفر از اعضای اصلی باند اراذل و اوباش مرتبط با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی اجرا شد.

صهیونیستی از طریق حسین اردوخان‌زاده بوده است. وی که به مدت ۳ سال از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به جرم قاچاق انسان از ترکیه به یونان، در زندان یونان در بازداشت بود، با فردی به نام اوزان که وی نیز به همین اتهام بازداشت بود، آشنا می‌شود. اردوخان‌زاده با پیشنهاد اوزان جهت انجام قاچاق انسان در استانبول ترکیه موافقت کرده و پس از آن به خانهای که قاچاقچیان انسان در آن حضور داشتند، اسکان داده می‌شود. متهم در همان‌جا شخصی با هویت «آریا» به عنوان کاپیتان آشنا می‌شود که در آن زمان آریا، پیشنهاد کار خوب همراه با پول خوب را به متهم می‌دهد. اوزان به اردوخان‌زاده می‌گوید این کار از گربه‌کشی تا آدم‌کشی دارد و پیشنهاد می‌دهد که اگر متهم آن را بپذیرد، شماره وی را به صاحب کار مربوط دهد و متهم نیز قبول می‌کند. سپس بعد از مدتی، متهم از آریا جدا شده و شماره تلفن او را می‌گیرد. اردوخان‌زاده به همکاری خود با اوزان ادامه می‌دهد تا اینکه مدت اقامتش در ترکیه تمام می‌شود و اوزان بلیت تهران را برای وی تهیه می‌کند. متهم که مدت اقامتش در ترکیه تمام شده و به ایران بازگشته بود، شخصی با شماره تلفن خارجی از طریق واتساپ با وی تماس می‌گیرد و ضمن معرفی خود با هویت سربوس (افسر مוסاد)، عنوان می‌کند شماره وی را از آریا گرفته است. سربوس در این مکالمه عنوان می‌کند شخصی به نام «کارما» می‌خواهد با وی صحبت کند. کارما در این تماس اظهار می‌کند آریا شما را تایید کرده و در ادامه سربوس کار را برای شما توضیح خواهد داد. پس از اتمام مکالمه با پیشنهاد سربوس، متهم چند نفر دیگر را برای انجام کار معرفی می‌کند. متهمان برای همکاری با مוסاد، از طریق کیف پول دیجیتال در دفعات متعدد، برای اقدامات خود از جمله خرید اسلحه و تجهیزات مورد نیاز ارز دیجیتال دریافت کردند. متهمان در طول زمان همکاری با افسر اطلاعاتی مוסاد دستورات وی را اجرا کرده و پس از انجام هر دستور میبایستی رادریافت می‌کنند. نحوه تعامل و ارتباط‌گیری سربوس جاسوسی رژیم صهیونیستی با متهمان مانند توصیه‌های حفاظتی در خرید اقلام ارتباطی، از بین بردن اقلام پس از مأموریت، دوری از دید دوربین‌های مداربسته، جابه‌جایی با

گروه سیاسی؛ صبح روز گذشته ۴ نفر از اراذل و اوباش مرتبط با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به دار مجازات آویخته شدند. خردادماه سال جاری روابط عمومی کل سپاه از دستگیری شبکه‌ای از اراذل و اوباش مرتبط با مוסاد -سربوس- اطلاعاتی رژیم موقت صهیونیستی -خبر داد. سپاه در اطلاعیه‌ای با اعلام خبر دستگیری شبکه‌ای از اراذل و اوباش مرتبط با سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی تصریح کرده بود: این شبکه با هدایت سربوس اطلاعاتی رژیم اشغالگر صهیونیستی، اقدام به سرقت و تخریب اموال شخصی و عمومی، آدم‌ربایی و اخذ اعترافات ساختگی از طریق شبکه اراذل و اوباش می‌کرد. در اطلاعیه سپاه آمده بود: عوامل این شبکه را سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات دستگیر کردند. این شبکه با هدایت سربوس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، اقدام به سرقت و تخریب اموال شخصی و عمومی، آدم‌ربایی و اخذ اعترافات ساختگی از طریق شبکه اراذل و اوباش می‌کرد که در نهایت اعضای آن با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات دستگیر شدند. اعضای این باند با هدایت افسران اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با تهیه سلاح جنگی اقدام به آدم‌ربایی کرده و دستمزد خود را به صورت ارز دیجیتال دریافت می‌کردند. بر اساس مفاد موجود در پرونده، متهمان از اراذل و اوباش سابقه‌دار بودند و اعضای اصلی این باند از اینکه مسافرات اقدامات خود را از افرادی در خارج از کشور دریافت می‌کردند و در قبال اخذ پول اقدام به برهم زدن امنیت کشور کرده‌اند، آگاه بوده‌اند. همچنین متهمان از نوع اقدامات ضدامنیتی و اخذ دستورالعمل‌های حفاظتی پیرامون ترده، ارتباطات و رعایت ملاحظات امنیتی از افرادی در خارج کشور آگاهی کامل داشتند. بر اساس مستندات پرونده اعترافات متهمان، عوامل اصلی این تیم متشکل از اراذل و اوباش در قالب ۲ تیم عملیاتی رژیم صهیونیستی به سرتمی متهم حسین اردوخان‌زاده معروف به زکریا و متهم میلاد اشرفی بوده است. افسر مוסاد در هر ۲ تیم یک نفر به نام سربوس بوده است که نفرت تیم دوم او را به نام سیاوش می‌شناختند. نحوه شروع و ارتباط این باند با سرویس اطلاعاتی رژیم